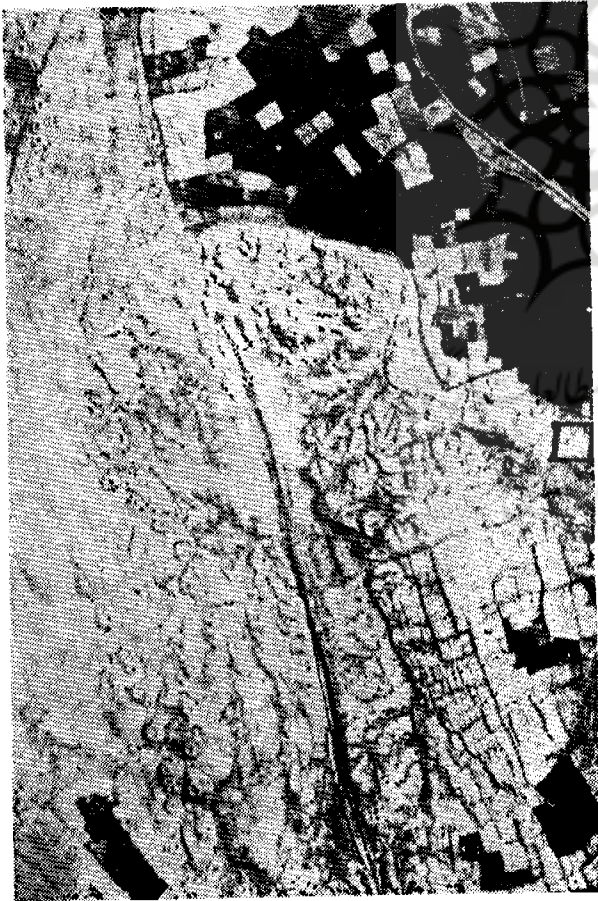


# کاریر: مطالعه‌ی گسترش کاریر از ایران بگری نقاط جهان

(۳)

مرتضی هنری  
مرکز مردم‌شناسی



تپه سیلک بر سر چشمه فین و کاریرهای پیرامون آن

## کاریر در دوران هخامنشیان

تحولات اجتماعی و سیاسی دوران هخامنشیان در تکامل جنبه‌های گوناگون فرهنگی و از جمله گسترش و همه‌جاگیری کاریر مؤثر بوده است. وقتی که سرتاسر واحد جغرافیایی و ملی ایران بعنوان حوزه اصلی قلمرو گسترده شاهنشاهی هخامنشی تشکل و وحدت سیاسی یافت، شبکه‌های قوی راهها سرتاسر ایران زمین را بهم پیوست، و تجارت و صنعت اهمیت ویژه یافت. همه پیشرفت‌ها و تحولاتی که در جنبه‌های مختلف اجتماعی حاصل شد، بنیادی محکم و پابرجا در روستاها داشت و با تحولی شگرف در کشاورزی همراه بود چه «سرچشمه عمده ثروت در شاهنشاهی هخامنشی زمین بوده و کلید آبادانی زمین آب بوده و آبیاری بزرگترین مشکل کار کشاورزی» (۱ ص ۱۸۲) و بالطبع توسعه کشاورزی مگر بر پایه توسعه آبیاری امکان نداشت، و آبیاری نیز در بسیاری از مناطق ایران زمین غیر ممکن بود و هست مگر با حفر کاریرها. گریشمن می‌نویسد: در همه ازمنه در نجد ایران مسئله آب امری حیاتی بشمار می‌رفته است. از زمانهای ماقبل تاریخ، این مملکت با وسائل مصنوعی آبیاری می‌شد و در عهد هخامنشی شبکه وسیعی از کاریرها موجود بود (۱۰ ص ۲۵) و تشویق به حفر کاریرها نیز از بهترین اقدامات شاهان هخامنشی بشمار آمده است (۱۰ ص ۱۸۲). استرابون نیز فراوانی نعمت و ثروت را در ایران بر اثر توسعه کشاورزی و بویژه توجه به آب و آبیاری می‌داند، روستائینی که از آب برف و قنات بهره‌ور می‌شده‌اند (۱ ص ۱۹۷). مهمترین امری که موجب گسترش و توسعه همه‌جاگیری



يك مانداب در داخل روستائی در حاشیه كوير

كاريز و كاريز كنى در روزگار هخامنشيان و بويژه روزگار داريوش كبير - ۵۲۱ تا ۴۸۶ پیش از میلاد - (۵ ص ۱۷) شد، و این دوران را دوران شکوفایی و اوج اقدامات آبیاری و حفر كاريز در سرتاسر فلات ايران بشمار آورد، این بود که به امر شاهان هخامنشی آن کسی که کاریزی حفر می کرد و آب به سطح زمین می آورد و بدین وسیله روستایی یا زمین تازه آبادان میکرد یا کاریزهای خشک را بازسازی می نمود، مالیات پنج نسل بر او بخشوده می شد (۸ ص ۶۱)، و پولی بیوس مورخ یونانی سده سوم پیش از میلاد نیز بخشودگی مالیات را بر پنج نسل کسی که کاریزی آبادان می کرد متذکر شده است (۱۴ ص ۲۷). می گویند که استخر از کاریزهای متعدد آبیاری می شده (۷ ص ۱۷۵)، و احتمال اینکه آب آشامیدنی برای تخت جمشید نیز از کاریز برآمده باشد زیاد است.

کاريز و كاريز كنى در روزگار هخامنشيان و بويژه روزگار داريوش كبير - ۵۲۱ تا ۴۸۶ پیش از میلاد - (۵ ص ۱۷) شد، و این دوران را دوران شکوفایی و اوج اقدامات آبیاری و حفر كاريز در سرتاسر فلات ايران بشمار آورد، این بود که به امر شاهان هخامنشی آن کسی که کاریزی حفر می کرد و آب به سطح زمین می آورد و بدین وسیله روستایی یا زمین تازه آبادان میکرد یا کاریزهای خشک را بازسازی می نمود، مالیات پنج نسل بر او بخشوده می شد (۸ ص ۶۱)، و پولی بیوس مورخ یونانی سده سوم پیش از میلاد نیز بخشودگی مالیات را بر پنج نسل کسی که کاریزی آبادان می کرد متذکر شده است (۱۴ ص ۲۷). می گویند که استخر از کاریزهای متعدد آبیاری می شده (۷ ص ۱۷۵)، و احتمال اینکه آب آشامیدنی برای تخت جمشید نیز از کاریز برآمده باشد زیاد است.

کاريز و كاريز كنى در روزگار هخامنشيان و بويژه روزگار داريوش كبير - ۵۲۱ تا ۴۸۶ پیش از میلاد - (۵ ص ۱۷) شد، و این دوران را دوران شکوفایی و اوج اقدامات آبیاری و حفر كاريز در سرتاسر فلات ايران بشمار آورد، این بود که به امر شاهان هخامنشی آن کسی که کاریزی حفر می کرد و آب به سطح زمین می آورد و بدین وسیله روستایی یا زمین تازه آبادان میکرد یا کاریزهای خشک را بازسازی می نمود، مالیات پنج نسل بر او بخشوده می شد (۸ ص ۶۱)، و پولی بیوس مورخ یونانی سده سوم پیش از میلاد نیز بخشودگی مالیات را بر پنج نسل کسی که کاریزی آبادان می کرد متذکر شده است (۱۴ ص ۲۷). می گویند که استخر از کاریزهای متعدد آبیاری می شده (۷ ص ۱۷۵)، و احتمال اینکه آب آشامیدنی برای تخت جمشید نیز از کاریز برآمده باشد زیاد است.

بخش از صحرای شمالی آفریقا را پایگاهی لازم بود، و نیز در  
علاقه داریوش به آب و آبادانی موجب شد که بفرمان او در  
واحه «خرقاء» کاریزها کنند و آنها به سطح زمین آوردند.  
این کاریزها آفتدر آب برآوردند که می توانست ۵۰،۰۰۰ هکتار  
زمین را آبیاری کند. حفر کاریز در واحه خرقاء از چنان  
اهمیتی برخوردار است که می گویند معبد «آمون» در تبس را  
مصریان به یاد این اقدام بزرگ ساختند و بدین وسیله داریوش  
بزرگ را ارج نهادند (۸ ص ۶۱). (۱۵ ص ۱۳)

### چه بهتر زین به گیتی افتخاری

#### که ز شورابه شیرینی برآری

البته کاریز کنی در آن زمان در آفریقای شمالی وحاشیه  
صحرا گسترش زیاد نیافت و به واحه های خرقاء و منطقه اطراف  
آن محدود ماند، اما اهمیت بسیار آن سالها مورد توجه  
پژوهندگان زمین شناس و باستان شناس بود، و اینکه چاهها و  
سوی کاریزها از لایه های ریگ و شن نرم می گذشت اهمیت  
آن را چند برابر کرد که اچ. جی. ال. بیدنل درباره چگونگی  
آن تحقیقات بسیار کرده است (۴).

بسیاری از محققان را اعتقاد بر این است که معرفی  
کاریز و کاریز کنی در جنوب عربستان و کوه های یمن و نیز  
عمان دیگر در زمان هخامنشیان بود، اما چون پذیرفتنی تر است  
که این امر در زمان ساسانیان انجام شده باشد بررسی چگونگی  
کاریزهای این مناطق را بجای خود خواهم آورد.

گفتیم که مسیر حرکت سپاهیان ایران بسوی مصر از  
خشکی بود و معقول این است که سوریه و فلسطین نیز در این  
خط سیر باشد، و با شواهدی که بدست آمده شروع کاریز کنی  
و نیز بعضی از کاریزهای قدیمی این منطقه را نیز میتوان بازمانده  
از دوران هخامنشی دانست مانند کاریزهای دره اردن، وادی  
اروا در جنوب بحرالمیت، موفقار، عین الدقیه، و نیز قناتهای  
منطقه قلامون در شرق سوریه. قناتی که هم اکنون خشک است  
و در نزدیکی دمشق در طول جاده ای که به شمال می رود قرار  
دارد قدیمی ترین و یا یکی از قدیمی ترین قناتهای این منطقه  
بشمار می رود. (۱۶ ص ۶۸). منطقه «سلمیه» در نواحی  
مرکزی سوریه مهمترین قلمرو کاریزها در این منطقه است.

یکی از این کاریزها حدود ۵۰ کیلومتر دارد و آب را  
از ناحیه «سلمیه» به «آپامه» در شرق پالمیرا می برده است. و  
البته که این کاریز در میان قناتهای کشورهای دیگر (بحر  
ایران) یک پدیده استثنائی است که برای تأمین آب آشامیدنی  
آپامه حفر شده است (۸ ص ۶۳) و (۱۲ ص ۲۸۳) و این چنین  
طولانی است. غیر از این قنات، مثلاً قنات موفقار که تقریباً  
۱۱ کیلومتر (۷ مایل) طول دارد خود جزو قناتهای طولانی  
منطقه بشمار می آید. تا حدود ۱۹۴۹، ۳۹ رشته قنات در شهر

سلمیه وجود داشته، که یکی از قناتها حدود ۴۰ لیتر در ثانیه  
آب می داده است (اکتبر ۱۹۴۵) و زمین های اطراف شهر سلمیه  
را آبیاری می کرده است. یکی از این کاریزها ۱۳۹ اکر را  
مشروب می کرده، و کاریز دیگری ۲/۵ اکر را، ولی بطور  
متوسط هر قنات بین ۲۰ تا ۶۰ اکر را آبیاری می کرده است.  
امروزه در تمام منطقه ۱۲۵ رشته قنات هست که جمعاً حدود  
۳۰۹۰ اکر زمین به آب آنها سیراب می گردد (۱۲ ص ۲۸۴).  
کاریز یا قنات را در مصر و سوریه «فوقارا» می نامند.

\*\*\*

جزیره قبرس در مدیترانه نیز جزو قلمرو کاریز بشمار  
می رود، و پژوهندگانی که در قبرس به بررسی پرداخته اند تعداد  
آن را ۵۰۰ رشته کاریز می دانند (۱۶ ص ۴۹)، چه رود  
دائمی در قبرس بسیار کم است و هنوز هم تهیه آب چه برای  
آشامیدن و چه برای آبیاری مشکلی مهم شمرده می شود. بدین  
علت که در دوران هخامنشیان قلمرو حکومتی ایران زمین تا  
آن نواحی گسترش یافته بود و نیز جزیره قبرس که در مرز  
دریایی ایران و یونان در آن زمان بود باید آغاز کاریز کنی  
را در قبرس بدست ایرانیان دانست. برخی از کاریزهای قبرس  
بسیار قدیمی است و آ. جی. مایر کاریزهای قدیمی را متعلق به  
دوران رومی ها می داند (۱۳ ص ۲۱). البته او جزو محدود  
محققانی است که کاریز را به زمان رومیان منسوب و از اقدامات  
آنان می داند و چنین نظریه ای بوسیله دیگر پژوهشگران بکلی  
مردود شده و تمام آنها که درباره تاریخ تمدن و تکنیک و نیز  
مسائل آب و آبیاری در جهان تحقیق کرده اند، کاریز را یک  
پدیده کاملاً ایرانی شمرده اند. منطقه لارنکا، دورمالاکسیا،  
و مزاوریا بیشترین قناتهای قبرس را دارد (۱۳ ص ۲۱ و ۱۱۳)  
و (۱۶ ص ۶۴) و (۳) و (۵ ص ۱۴۸).  
کاریز را در قبرس «چاههای زنجیره ای» (Chin-wells)  
می نامند.

برای نمونه، تنها یکی از قناتهای قبرس (۱۹۵۸) که  
۳۹ میله چاه داشته ۳۰۰،۰۰۰ تا ۴۰۰،۰۰۰ گالن در روز آب  
می داده است (۶ ص ۴۲).

#### پی نوشتها

۱- انصافپور، غلامرضا،

تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی  
ایران از دوران ماقبل تاریخ تا پایان ساسانیان. شرکت  
سهامی انتشار. تهران. ۱۳۵۲



8. Furon, R. The Problem of Water. Trans. P. Barnes London 1967
9. Gautier, E. F. Saharq. Tran. D.F. Mayhew Colombia University Press. New York. 1935
10. Ghirshman. R. Iran. Penguin Book. London 1954
11. Hall. H. R. The Ancient History of The Middle East. Methuen & Co. LTD. London 1913
12. Lewis, Norman. N.  
Malaria, Irrigation and Soil Erosion in Central Syria. Geographical Review. Vol. 39. 1949.
13. Méyer, A. J. The Economy of Cyprus Harvard University Press 1962
14. Polybius. The Histoires. Tran. E. S. Shuckburgh Mac Millan & Co. London 1889. Vol. II Book. X -28
15. Tolman. C. F. Ground Water. New York. 1937
16. Worthington. E. B. - Middle East Science H. M. Stationery Office. London 1937.

۲- پیگولوسکایا و دیگران  
تاریخ ایران . ترجمه کریم کشاورز - انتشارات پیام .  
چاپ چهارم . تهران ۱۳۵۴

3. Baker, Sir S. W., Cyprus (As I Saw It in 1879) MacMillan - London 1879
4. Beadnell, H.J.L.  
a- An Egyptian Oasis ... London 1909 (P. 171)  
b- Remarks on the Prehistoric Geography and Underground Waters of Kharga Oasis Geographical Journal. London. Vol. 81 (1933).
5. Cantor. L. M., A World Geography of Irrigation Oliver. London 1969
6. Cressey, George, B. Qanat, Karez and Foggaras. Geographical Review, Vol. 48. 1958
7. English. Paul. W. Qanats in the Old World Proc. Amer. Philosophical Soc. Vol. 112. No 3. June 1968

